

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

نذیر دلسوز

۱۲ جون ۲۰۱۴

مقایسه بین دو شخصیت و یا مقایسه بین جهل و علم

<p>من عیسی مسیح هستم دو هزار سال پیش ده انسان مبتلا به جذام رو با کمک معجزه شفا دادم و در حال حاضر يك سوم دنیا من رو می پرستند</p>	
<p>من دکتر جاسینتو کانویت هستم کاندیدای جایزه ی نوبل به خاطر کشف واکسن جذام، جان هزاران نفر رو با این کشف علمی نجات دادم و در حال حاضر فقط تعداد کمی من رو می شناسند</p>	

دوست محترم جهانگیر هیرمند دو عکس و دو نوشته داخل مربع فوق را در فیسبوک ، در تقابل قرار داد ، تا سایرین در مورد علت کمیت پیروان و هواداران این دو (عیسی مسیح و دکتر جاسینتو کانویت) نظر بدهند .
یادداشت ذیل از این قلم بر روی صفحه فیسبوک شکل گرفت . اندیشیدم چه بهتر که این را هم (مانند سایر یاد داشتهایم)
به پورتال معروف و پر خواننده « افغانستان آزاد – آزاد افغانستان» بفرستم . نذیر دلسوز ۱۱ جون ۲۰۱۴

با حرمت به خوانندگان

در تقابل قرار دادن این دو ، یعنی مقایسه دو عکس (دو شخصیت) و پرداختن به عملکرد ها و کار و کارنامه هایشان ، تفکرات و اندیشه و خدمات این دو در نفس آن یک ابتکار بسیار جالب ، جذاب و از دید علمی با اهمیت و در خور توجه دلدادگان و پژوهشگران علم و معرفت می باشد که دوست عزیز ، پرکار و باورمند ما به آن پرداخته و از دید من

جا دارد که دهها بار به اشتراک گذاشته شود؛ زیرا در نخستین نگاه دنیائی از مفاهیم و پرداخت های سایر اندیشمندان، راجع به پیدایش و تکوین ادیان و مذاهب و ایزد و ایزدان را در اذهان بیننده تداعی می کند. تعبیر و تفاسیر در راستای مقایسه این دو شخصیت وقت و زمان و کار بیشتر را می طلبد.

اجازه بدهید تا مختصراً به یک نکته اساسی و محوری در رابطه پيروان و هواداران این دو شخصیت اشاره نمایم: ادیان و مذاهب و ایزدان و ایزد (چند خدائی و یک خدائی) از همان مراحل اولیه شکل گیری در اذهان انسان های بدوی که همزمان بود با استحاله جامعه کمونی به جامعه بردگی، دین و مذهب و خدا ماهیت شان را به مثابه نگهبانان پر قدرت مالکیت خصوصی تبارز دادند؛ و حربه ای شد در دست طبقه حاکمه برده دار. هر تحول و دگرگونی اجتماعی که از آن تاریخ در جوامع بشری به وقوع پیوسته، در واقع حلقه ای بر حلقه پیشینه باور انسان به دین و مذهب و خدا افزوده و آن را استحکام بیشتر از پیش بخشیده و این سلسله تا هم اکنون جریان تکاملی و شتابنده اش را ادامه می دهد.

امپراتوری روم برای بقایش عیسویت را پذیرا شد، و آن را - با هزار و یک خدعه و نیرنگ - علیه توده ها به کار برد و خودش را (به تدریج) ناجی دین وانمود ساخت. هرگاه (عجالتاً) از نقاط عطف دیگر (در بازتاب این موضوع) عبور نموده به شاخص مهم دومی (انقلاب کبیر فرانسه در ۱۷۸۹) نگاه گذرا بیندازیم، خواهیم دید که بورژوازی تازه کار که برای رسیدن به قدرت تلاش می نمود دین و مذهب را که آله ای بود در دست فئودالها و اشرافیت فرانسه به نقد می کشید. زمانی که انقلابش را انجام داد و به قدرت دست یافت، استحکام پایه های دولتش اجازه نمی داد که بعد از آن (بعد از تصرف دولتی) به نقدش از دین مداوم بخشد؛ و به عکس، برای بقایش و تحمیق توده ها به ترویج و تبلیغ آن صد بار بیشتر از پیش پرداخت. بیانیید به یک شاخص دیگر که خود ناظر آن بوده ایم توجه نمائیم: حفظ و حراست مالکیت خصوصی در ایران که امپریالیست ها بیخ و بنیاد آن را در حال تکان و تزلزل می دیدند؛ برای حراست از آن، جلاذ خمینی و دارو دسته اش را برای تصرف قدرت دولتی وارد کار زار کردند و در افغانستان اخوان جهادی و طالبی را شکل دادند. تمام انقلابات و تغییرات و تحولات اجتماعی که تا کنون در جامعه بشری اتفاق افتاده، نه تنها به طرف حامی نهایت با اهمیتش (دین و خدا) چپ ندیده؛ بلکه در تکامل دین و مذهب کوشیده و برای کنده نشدن تابلوی احکام و ... اش از صفحه ذهن توده ها، باز هم میخی افزون بر میلیارد های میخ دیگر کوبیده ... این قدرت سهمگین و عظیم مالکیت خصوصی است که افسانه و «سی سانه» عیسی و محمد و ... را به «حقیقت» تبدیل نموده و با تمام قدرت مخربش برای وی و سایر پیغمبران طبل شهرت و محبوبیت و کرامات و معجزات و ... را کوبیده و باز هم می کوبد، و علماء و دانشمندان چون [داکتر «جاسینتو کانویت»] را از مرکز دید مردم دور نموده به حاشیه های تاریک و کم پیدای رسانه هایش پرتاب می کند؛ زیرا آنان و امثال شان یا با آتش سوزان عملکرد هایشان و یا با شعله های سوزان نظرات علمی و جهان ساز شان پرده سیاه و ضخیم تبلیغات زهر آگین و پرداخت های اغراق آمیز مسموم کننده و سایر گند و خرافات و افسانه های دین و مذهب و خدا را می سوزانند و راز این افسانه قدیمی و مبتذل را برملاء می نمایند. از همین سبب مقایسه شمار باورمندان به عیسی و داکتر «جاسینتو کانویت» تفاوت در ارقام را نشان می دهد.

بگذار به این واقعیت انکار ناپذیر اشاره نمایم: تنها و تنها ادامه انقلاب سوسیالیستی تحت دیکتاتوری پرولتاریا است که وظیفه دارد مالکیت خصوصی (این ریشه اصلی ادیان و خدا) را برای نخستین بار در جامعه بشری از بیخ و بن کشیده برای ابد بخشکند.

به امید بازگشت انقلابات سوسیالیستی تحت دیکتاتوری طبقه کارگر در جهان! دلسوز